

## 1-Review

## Context

بهم اصرار نکن، فکر می کنم بهتره که برم.

**Don't insist me;** I think I should be going now.

یه سری مهمون دعوت کردم، چیزی خونه برای پختن ندارم، باید یه سری چیز سر راه بخرم.

I have invited some guests, I haven't got any thing to cook at home, I have to buy something on the way.

فکر می کنم الان بهتره برم بخاطر اینکه برادرم زنگ زد و از من خواست تا دیر وقت اینجا بمونم.

I think I should be going now because my brother called me and asked me to stay here late.

روزم رو ساخت باهم گپی زدیم.

It really made my day having a chat together.

خیلی خوشحالم که بعد از ده سال بهم برخوردیم.

I am glad we bumped into each other after 10 years.

خیلی خوشحالم که می بینمت.

It's really nice seeing you.

خداحافظ

Bye bye

خیلی خوشحال شدم که دیدمت.

It's been really nice seeing you.

تلفن داره زنگ می زنه چرا جوابش رو نمی دی؟

The phone is **ringing**, why don't you answer it?

خیلی خوشحالم که باهات حرف می زنم.

It's really nice speaking with you.

فکر می کنم بهتره برم.

I think I should be going now.

بهم زنگ زده شد و مجبورم به اداره برگردم تا ساعت ده.

I was called and I have to **get back** to my office by 10 o'clock.

می بایست قبلش باهم حرف می زدی.

You should have spoken with me before.

احتمالاً دعوتت نکرده.

He must **have not** invited you.

فکر می کنم الان بهتره که برم.

I think I should be going now.

پسرم دو ساعته که منتظرمه. باید سر راه برم دنبالش.

My son has been waiting for me for 2 hours. I have to pick him up ~~at the party~~ on the way.

من تو رو از جایی نمی شناسمت؟

Don't I know you from somewhere?

بذار یه دوش بگیرم می آم پیشت.

Let me have a shower I am **coming to** you.

قرصش رو بیاره. احتمالاً یادش رفته

She must have forgotten to bring her tablet.

می بایست قرصت رو می خوردی.

You should have **taken** your tablet.

روزم رو ساخت یه مشروبی زدیم و گپی باهم زدیم.

It really made my day having a drink and a chat together.

خیلی خوشحالم بهم برخوردیم.

I am glad we bumped into each other.

الان یادم می آید. همونی هست که سرم شیره مالید.

Now I remember her. She is the one who pulled the wool over my eyes.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions. Let's start.

## 2-By the way, what time is it conversation

### Context

سه تا هم معنی

راستی ساعت چنده؟

By the way, what time is it?

راستی ساعت چیه؟ (ساعت چنده؟)

By the way, what's the time?

راستی ساعت رو داری؟ (ساعت چنده؟)

By the way, have you got the time?

it is a kind of sentence bigner

کدینگ:

by the way زمان استفاده:

وسط حرف طرف مقابل میخوای به چیزی

بگی که ربطی به موضوع حرف طرف نداره

راستی چند وقت داری اینجا کار می کنی؟

By the way, how long have you been working here?

راستی کدوم قسمت کار می کنی؟

By the way, which department do you work in?

راستی چند سالته؟

By the way, how old are you?

دارم پیر می شم.

I am getting on in years.

conversation:

a: I am getting on in years

b: don't say that, touch the wood you have carried your age very well.

بزنم به تخته خوب موندی.

Touch the wood; you have carried your age very well.

ساعت حدود 1:30 است.

It's about 1:30.

ساعت 2:20 است.

It's about 2:20.

چهار شیوه بیان ساعت از لحاظ دقت

ساعت ده هست.

It's 10 o'clock.

حدود ساعت ده هست.

It's about 10 o'clock.

داره 10 می شه.

It is coming up to 10.

تقریباً ساعت ده هست.

It is almost 10.

تا حالا سه بار بهت زنگ زدم.

نوع اول already  
قید حال کامل

I have already called you 3 times.

اصلاً بمن زنگ زدی؟

Have you ever called me?

تا حالا به چند نفر زنگ زدی؟

How many times have you called me so far?

تا حالا 10 نفر رو دعوت کردم.

I have already invited 10 people.

اصلاً کسی رو دعوت کردی؟

Have you ever invited anyone?

تا حالا چند نفر دعوت کردی؟

How many people have you invited so far?

تا حالا 3 تا وکیل گرفتم.

I have already hired 3 lawyers.

در رو قفل نکردم.

I haven't locked the door.

شام نخوردم.

I haven't eaten dinner.

باهات صحبت نکردم.

I haven't spoken with you.

قانون محرک های متفاوت برای لغات مترادف  
find out پی بردن  
understand فهمیدن  
realize متوجه شدن  
get گرفتن  
obtain به دست آوردن  
gain کسب کردن

به سی دی ام گوش نکردم.

I haven't listened **to** my CD.

خونه نرسیدم.

I haven't arrived home.

اینجا نمودم.

I haven't stayed here.

لیست افعال همیشه گذشته ساده

خواستم به پدرت زنگ بزنم.

I **wanted** to call your father.

غذا رو دوست داشتم.

I **liked** the food.

بهم برخورد کردیم.

We **bumped** into each other.

متوجه نشدم.

I didn't **realize**.

فهمیدم.

I **understood**.

من دیشب متوجه نشدم.

I didn't realize last night.

چرا اینجا از حال کامل استفاده نکرد؟

پاسخ ص غیرقابل قبول است چون در جملات قبلی مکالمه

نیز قید زمان گذشته نداشتیم.

پاسخ درست: یک لیست سی تایی از افعال هستند که بین

حال کامل و گذشته ساده، همیشه با فرم گذشته ساده میان

این لیست دلیل ندارد و حفظی است

i have liked(wrong)

i have wanted(wrong)

i have bumped(wrong)

i have relized(wrong)

i have understood(wrong)

است We همیشه each other فاعل

است into همیشه bumped حرف اضافه

## Vocabulary

شدید

Intense

شدیداً

Intensively

راستی

By the way

بهر حال

Any way

آغازگر

Beginner

سوار شدن

Get on

واقعاً

Already

متوجه شدن

Realize

فهمیدن

Understand

پی بردن

Find out

گرفتن

Get

بدست آوردن

Obtain

کسب کردن

Gain

دارم پیر می شم.

I am getting on in years.

بزنم به تخته تگون نخوردی.

Touch the wood; you have carried your age very well.

Conversation text

A: By the way, what time is it?

B: It's about 1:30

A: 1:30?! Already! I didn't realize it was so late.

B: Neither did I?

A: I really get to go now. I gotta get to my English class.

B: You had better get hurry. See you soon.

A: Bye.

already "واقعا" اگر همراه با جمله حال کامل نیاد، معنی "واقعاً"

میده

already != really

هر دو برای بیان تعجب اند، سمت راستی تعجب به دلیل زیبایی

یک چیز، سمت چپی تعجب بدلیل شوکه شدن از چیزی

already نوع دوم



### 3-I didn't realize it was so late

#### Context

مادرم فکر می کنه مریضم.

My mother thinks, I am sick.

مادرم فکر کرد مریضم. (اشتباه)

My mother thought I am sick. (Wrong)

مادرم فکر کرد مریضم.

My mother thought I was sick. (Correct)

برادرت گفت خونه هستی.

Your brother said you were at home.

برادرت می گه منزلی.

Your brother says you are at home.

من رو دوست داره.

He likes me.

مادرم فکر کرد دوستم داره.

My mother thought she liked you.

برادرم بهم گفت، داری شام می خوری.

My brother told me; you were eating dinner.

مادرم فکر کرد می خوایی دعوتم کنی.

My mother thought you were gonna invite me.

شام خوردم.

I have eaten dinner.

مادرم گفت شام خوردم.

My mother said I had eaten dinner.

اون فکر کرد حامله هستی.

کسی که گرامر این درس رو بلد نباشه هیچی از زبان بلد نیست

این گرامر دریچه ای برای ساخت قالب های شرطی، نقل قول مستقیم و غیر مستقیم، ای کاش

قانون طناب(قانون حقه و کلک) برای جمله اول ماضی ساده

این اسم من در آوردی است

در همه زبانها مردم ممکنه اشتباه صحبت کنند. مثلا در فارسی میگی:!

هفته بعد که برادرت اومد(استفاده از فعل گذشته برای آینده)!

اگر در یک دو جمله ای پیوسته، جمله اول هر یک از زمانهای گذشته باشد، برای جمله دوم همیشه

محرك اشتباه فارسی توی ذهن ما تداعی میشود.

محرك درست: جمله اول باید طناب میندازه دور گردن جمله دوم و زمان محرك اشتباه رو یکی بیاره

عقب.!

مثلا حال ساده <<<<گذشته ساده

حال استمراری <<<گذشته استمراری

حال کامل<<<گذشته کامل

کدینگ: به این دلیل بهش میگی قانون حقه و کلک، چون محرك اشتباه در نقش شیطان ظاهر شده و

تو باید بگی "من گولتو نمیخورم شیطان برو گمشو"!

محرك اشتباه از لحاظ

تبصره:

اگر جمله اول و دوم هر دو گذشته باشند، جمله دوم زمانش عقب نیاد

متوجه نشدم برادرت اینجا بود

I did not realize your brother was here

She thought you were **pregnant**.

مادرم گفت شما خواهرید.

My mother said you were sisters.

پدرم گفت شام سفارش دادی.

My father said you had ordered the dinner

برادرم فکر کرد می خوای برای مهاجرت اقدام کنی.

My brother thought you were gonna apply for immigration.

دیره.

It is late.

متوجه نشدم دیره.

I didn't realize it was late.

متوجه نشدم اینقدر دیره.

I didn't realize it was **so** late.

متوجه نشدم دوشنبه هست.

I didn't realize it was Monday.

**چقدر زمان زود می گذره، یادش بخیر اون روزها.**

How time **flies**, those were the days.

متوجه نشدم دیره.

I didn't realize it was late.

متوجه نشدم زنگ زدی.

I didn't realize you had called me.

متوجه نشدم، منم همچنین.

I didn't realize. Neither did I?

این غذا رو دوست ندارم، منم همچنین.

I don't like this food, neither do I?

تایید جمله مثبت طرف مقابل too

Me too: روش استفاده

تایید جمله منفی طرف مقابل neither

روش استفاده:

neither + auxiliary verb positive + I

دیشب به پدرت زنگ نزد، منم همچنین.

I didn't call you father last night, neither did I?

نمی خوام اینجا بمونم، منم همچنین.

I am not gonna stay here, neither am I?

نمی تونم خوب شنا کنم، منم همچنین.

I can't swim very well, neither can I?

شام نخوردم، منم همچنین.

I haven't eaten dinner, neither have I?

برادرت نیستم، منم همچنین.

I am not your brother, neither am I?

صبح ها از خواب بیدار نمیشم، منم همچنین.

I don't wake up in the morning, neither do I?

شام سفارش دادم، منم همچنین.

I have ordered the dinner, **me too.**

شام سفارش ندادم، منم همچنین.

I haven't ordered the dinner, neither have I?

سه کاربرد neither

کمیت نما

neither nor حرف ربط

neither من هم منفی

neither have i

neither did i

neither do i

neither am i

باید برم.

I have got to go

تو مجبوری.

You have got to

اون مجبوره.

She has got to

ما مجبوریم.

We have got to

مجبورم.

"Have got" is the British form of "Have"

But "Have got to" is not the British form of "Have to"

have got to رو به عنوان دیفالت توی ذهنت ذخیره کن

سیر تکامل

have to

have got to

gotta

I gotta

مجبوره.

gotta == have got to/has got to

مخفف است

یک مزیت خیلی عالی داره. هم برای سوم شخص مفرد و هم برای سایر اشخاص یکسانه و دزد سر گرامری نداره

She gotta

مجبورم اینجا بمونم.

You gotta stay here.

مجبوریم اینجا بمونیم.

We gotta stay here.

مجبوره اینجا بمونه.

She gotta stay here.

مجبورم به کلاس انگلیسیم برسم.

I gotta get to my English class.

مجبورم به شیراز برسم.

I gotta arrive in Shiraz.

مجبورم به شیراز برسم.

I gotta get to Shiraz.

مجبورم به شیراز برسم.

I gotta reach Shiraz.

سه فعل به معنی "رسیدن" ا  
فرقشون توی حرف اضافه بعدشون است  
arrive  
get to  
reach

مجبورم یه مراقب کودک بگیرم.

I gotta hire a babysitter.

اینجا خیلی کثیفه.

It's very dirty here.

مجبورم یه کارگر بگیرم.

I gotta hire a domestic.

بهبتره عجله کنی.

You'd better hurry.

should != had better  
had better فعل بعدش بدون  
میاد to حرف اضافه

بهتره کروات بزنی. (پیشنهادی)

You should wear a tie.

بهتره کروات بزنی. (اجباری)

you should wear a tie in a wedding  
but  
you'd better wear a tie in a diplomatic session

You had better wear a tie.

بهتره برگردی خونه.

You had better come back home.

جملات زیر را یکبار با  
'd better با لحن جدی و تهدید  
یکبار با  
should با لحن ناز و ملایم  
بخون

بهتره برگردی خونه.

You should come back home.

بهتره کلاس رو کنسل کنی.

You had better cancel the class.

بهتره کلاس رو کنسل کنی.

You should cancel the class.

بهتره در رو قفل کنی. (پیشنهاد)

You should lock the door.

بهتره در رو قفل کنی.

You had better lock the door.

بهتره چراغها رو خاموش کنی.

You had better turn off the light.

بهتره طلاق بگیری.

You had better get divorce.

بهتره خونسردیت رو حفظ کنی.

You had better calm down.

بهتره آرام باشی.

You had better mellow out.

بهتره دست از این بچه بازی هات برداری.

You had better stop acting like a baby.

---

بهتره اینجا نمونی.

You had better not stay here.

بهتره در رو قفل نکنی.

You had better not lock the door.

بهتره در موردش فکر نکنی.

You had better not think about it.

بهتره ازدواج نکنی.

You had better not get married.

---

بهتر انجامش بدی.

You had better do it.

بهتره انجامش ندی؟

You had better not do it.

زود می بینمت.

See you soon.

همین دور و برا می بینمت.

See you around.

بعداً می بینمت.

See you later.

### Vocabulary

رسیدن

Get to

رسیدن

Arrive in

رسیدن

Reach

نگهدار بچه / مراقب بچه

Babysitter

کارگر/محلی

Domestic

خونسرد

Cool

مطابق

According to

بهتره دست از این بچه بازی هات برداری.

You had better stop acting like a baby.

بهتره آرام باشی.

You had better mellow out.

بهتره خونسردیت رو حفظ کنی.

You had better calm down.

Proverb

پات رو اندازه گلیمت دراز بکن.

Cut your coat according to your clothes.